

بازشناسی ارتش ایران

شرط برابری ارتقاء درجه به صورت «بحث مشترک» تنها یاد معیت دیگر استادان حضور داشتیم. در این جو نظامی آزادی بحث را در سطحی بسیار بالا تصدیق کردیم. در مباحث شهری - روستائی هویت ملی و روند اقتصادی آن زمان با ستوالاتی و اظهار نظرهایی روبرو شدم که در دوره فوق لیسانس و برتر آن در دانشگاه تهران روبرو نشده بودم.

روزی به دعوت تیمسار تدین فرمانده نیروی هوائی برای انجام سخنرانی و اختصاصا در باب «ملمن بزرگ» به جمع افسران نیروی هوائی دعوت شدم. در آن حال من در سمت معاونت آموزش و پرورش بودم. از ایشان خواستم بررسی کنند آیا من شایسته مصالح ایشانم یا نه پاسخ شنیدم درست به همین دلیل دعوت می شوید که نظراتی جز آنچه در کتاب مربوطه آمده است دارید. چهل و پنج روز بر این سخنرانی کار کردم و روز موعود اعتراف می کنم که افسران حاضر در آن جلسه به من با ستوالات خود بسیاری از نکات را آموزش دادند (۱۴).

چگونه ممکن بود مردانی با این درجه از فریختگی و با آن مایه از روحیات و دانش نظامی خود را وقف وطن ولی به دور از مشارکت سیاسی نگه داشتند؟ بازتاب این محرومیت اجتماعی متفاوت است. ولی درباره تبدیل آن به گریز از مشارکت مطالعات روانشناختی و اجتماعی ضرورت دارد. دو پدیده محتاج به یادآوری است. نخست نظریه ای دایر بر این که با توجه به شمار سوء قصدها و توپخانه ها که متوجه پادشاهان پهلوی در کسوت فرماندهی کل قوا از ناحیه خودی و بیگانه ظهور کرد و بعضی آنها هم از درون ارتش بود. آن فرماندهان دو گانه تعالی بر آن تأکید داشتند که ارتش و ارتشیان هر چه از سیاست دور باشند امنیت بخش ترند. بر این نظریه دو سؤال وارد است نخست آن که این تمایل به دور داشتن ارتشیان زاده ذهن فرمانده کل است یا مصلحت اندیشی سران یکه شناس ارتش که چون و چرا را مخیل بی چون و چرائی انضباط نظامی می دیدند. دوم آن که آیا بعد از همه کشف سوء قصدها تجدید نظری لازم نمی بود در روند سنتی ارتشی که عملا در سیاست دخیل بود و ارتشیان که منع از بابت حق رای داشتند؟

نظر سومی را هم به صورت لوٹ شده ای جاری و ساری می ساختند که از قول شادروان سرلشکر حسن پاکروان (۱۵) می شود. آن را باز شناخت. منتهی چون سخن به نقل است از خاطرات تیمسار فروغی و ایشان در شرایطی بسیار خاص آنها را نوشته یا نویسانده شده اند مورد تأیید نمی تواند باشد. بدون آن که لوٹ کردن کلمه سیاست را در عرف مکالماتی مردم ایران رد کرده باشیم. فوج ترین حکمی که در انقلاب اخیر ایران دیدیم حکم اعدام بدون محاکمه پاسبان حسن در شهر قم بود. او به دلیل سیاسی یعنی دفاع و همکاری با «نظامی سابق» اعدام شد (۱۶) و این نشان می دهد که مردم مخالف تا چه حد نیروهای مسلح سه گانه را سیاسی می دیدند.

بنابراین قانون راه می داد تمایلات در ضمیر باطن نظامیان وجود داشت. جامعه به بلوغ فکری نیاز داشت و نیاز به آموزش سیاسی ارتش حس شد. ولی نظامیان در منع دخالت سیاسی بمانند. به استناد اطلاعی که از تمایلات فرماندهی کل از باب آموزش سیاسی نظامیان در گروه بررسی مسائل ایران - دانشگاه تهران داشتیم بارها با رجال کهن و نخست وزیران قدیمی و نخست وزیر شاغل زمان اشاره به این مطلب کردم تا نظریاتی شود پاسخ همگی خمیر مایه ای از ضرب المثل «سری که درد نمی کند دستمال میند» بود. در یغاسر هاردمی کرد و درد سر حس نمی شد (۱۷).

باری عدم دخالت ارتش در سیاست به عهد نظام گذشته جزء خطی از سیمای آن اندام است که او را کشف بسته نشان می داد ولی اگر متفقان ایران به قول شاه «رها» نمی کردند باز هم ارتش به کار سیاسی سنتی خود ادامه می داد.

ایران به عهد پهلوی در سیره اقتدار ملی بود بسیاری آن را با ناسیونالیسم افراطی و ایرانی گری های پارسی ملار عوضی گرفتند حتی اروپائیان که مدعی شرفشناسی بودند درست ندیدند و آمریکا به کل از شناخت ایران به دور بود و به منافع خود هم در منطقه نگاهی دور بین نداشت.

در آن نظام و یا سیره اقتدار ملی وجود ارتش ضامن امنیت بود امنیتی نه از نوع «امنیت!» امنیتی که در پناه آن سرمایه گلری تضمین و عمران ممکن و رفاه شلنی بود و ضمنا غرور ملی رعایت می شد. آنچه به این انهدام میهنی در یک جو حساس لطمه زد دخالتی بود به ظاهر ناچیز و در باطن ویرانگر غرور و شان و عز ملی ارتشیان یعنی حضور مهمان خواننده ای به نام هایز - ژنرالی آمریکائی که معاون ناتو بود که از سوی رئیس جمهور آمریکا جیمی کارتر (به دلایلی تحقیر شاه فرمانده را می جست و خارج از مطلب است) به ایران آمد تا با سران ارتش به بررسی وضع ایران و عکس العمل های فرضی ارتش ایران بپردازد بی آن که اجازه ای از سوی دولت یا پادشاه داشته باشد.

آنچه از پس آمدن او اتفاق افتاده و بر ارتش و ارتشیان رفته است بزعم نگارنده از مقوله دخالت دول معظم وابسته به ناتو و آمریکای جیمی کارتر است.

خاطرات او اژولی قاضی جنجالی

پرونده الف....

(سیاوش اوستا)



ایجاد ترس مواجه کرد. تا جائی که وی زیر حفاظت ۲۴ ساعته پلیس قرار گرفت. او در این کتاب ضمن شرح آن چه بر او گذشت چهره واقعی جهانی را آشکار می کند که ساکنان آن شخصیت های بزرگ سیاسی و اقتصادی و در ظاهر موجهی هستند که پشت این نقاب چهره واقعی و عملکردهای آنان را تنها در زمان های تبهکاری و جنائی می توان سراغ گرفت.

در این کتاب خانم اوژولی جهانیان را از هزار و یک ساخت و باخت مافیائی و تبهکاری های جهانی که در بازار نفت جهانی موجود است آگاه می کند.

در ژوئن ۲۰۰۳ خانم اوژولی با حمایت جمعی از برجسته ترین شخصیت های جهان از جمله برندگان جایزه نوبل، اعلامیه ای برای مبارزه با اختلاس کنندگان بین المللی صادر کرد.

مخالفان اوژولی به کمک دستگاه قضائی موفق شدند از انتشار کتاب در فرانسه جلوگیری کنند البته فقط برای چند هفته

خانم اوژولی کتاب خود را به تمامی کسانی که جان خود را به دلیل نگرین رشو از دست داده اند و به ویژه به قضات و روزنامه نگارانی که در این راه کشته شده اند پیشکش کرده است. وی نام بیش از بیست و پنج قاضی و روزنامه نگار را در ابتدای کتاب ذکر کرده است که همه در راستای پژوهش های خود در رابطه با پرونده های اختلاس نفتی و غیره در سراسر جهان به قتل رسیده اند.

خانم اوژولی در یک کلبه

خانم اوژولی دختر جوانی بود که برای ادامه تحصیلات خود در رشته حقوق از اسلو به پاریس آمده بود.

این خانم تروزی پس از پایان تحصیلاتش به جای بازگشت به کشورش در فرانسه مانده و به عنوان دادستان شهر اورلئان که در ۱۲۰ کیلومتری پاریس می باشد مشغول به کار شد.

وی پس از چندی به عنوان قاضی تحقیق اختلاس های چند میلیون دلاری کمپانی های نفتی، یکی از جنجال برانگیزترین قضات جهان شد.

خانم اوژولی در هنگامه فعالیت های قضائی خود در فرانسه سپید و سیاه ها و تهدید و تطمیع های فراوانی دیده بود و بدین رو در سال ۲۰۰۱ بخشی از خاطرات خود را با نام افشای مافیای نفت و آیا چنین جهانی می خواهیم؟ منتشر کرد.

چندی است که این کتاب بسیار جنجالی و خواندنی توسط مهربان یار گرامی رضا قاضی شعار به پارسی برگردانده شده است. در معرفی این کتاب قاضی شعار می نویسد که:

پی گیری پرونده اختلاس های چند میلیاردی شرکت نفتی الف فرانسه پای شخصیت های بزرگ اقتصادی سیاسی آن کشور را به میان کشید و اعتراضات گسترده ای را در فرانسه به دنبال داشت. ماجرای تکان دهنده ای که بارها قاضی تحقیق این پرونده خانم اوژولی را با تهدید به مرگ، تهمت اذیت و آزار و شتود تلفنی و

پانویس:

۱- شتاب انقلابی تابع قانون شتاب $EC = 1/2 MV^2$ است که گاهی در تحلیل های جامعه شناختی آن را تحت عنوان انرژی سینتیک یا نیروی حرکت بیان می کنند. مراد از شتاب انقلابی نیروهای سرکش خارج از حسابی است که موجب خسارات بسیار و حتی ناخوابسته می شود و مهار آنها از عهده رهبران خارج است. شتاب انقلابی پدیده ای است که در همه انقلابات از سرخ و سفید و نارنجی و غیره ظاهر شده اند.

در مورد انقلاب های سرخ رجوع کنید به تاریخ شوروی به خصوص داستان مراجعه ماکسیم گورکی به لنین برای جلوگیری از خونریزی و این که لنین او را به مذاکره نزد استالین می فرستد و استالین در جواب گورکی می گوید این من نیستم این انرژی سینتیک انقلاب است که می کشد.

در مورد انقلاب سفید و شتاب ناشی از آن رجوع کنید به (ده گفتار - نگارنده ص ۱۶) که موجب پیشی گرفتن توسعه فیزیکی بر توسعه فرهنگی شد (اطلاعات - دهه انقلاب سفید) البته بعدها این نظریه به وسیله یچار دینیکسون هم عنوان شد.

در مورد انقلاب نارنجی و شتاب خسران زای آن نیز رجوع کنید به حوادث منتهی به استقلال جمهوری های تازه به استقلال رسیده شوروی (اکرائین، قزاقستان، ترکمنستان، ازبکستان و غیره). در جراید مهم دنیا در سال های اخیر.

۲- این روایت را از مردان ژرفانگر سیاسی - نظامی دارم که بعد پیشروی قشون صدام در خرمشهر و نوار مرزی نخست وزیر وقت آقای میرحسین موسوی از حضور امام خمینی استدعای کند که ضمن سخنی بر کلمه وطن تکیه شود و منتهی می شود به اظهار جمله ای از سوی امام بدین معنی که «در بعضی مواقع دفاع از وطن مقدم بر دفاع از دین است» و به دنبال آن با شرکت مؤثر ارتش ایران پیروزی در جبهه ها میسر می شود. آقای موسوی این نکته را از استالین گرفت که بعد حمله آلمان ها و در خطر افتادن روسیه استالین در سخنانی اصطلاح «همین کبیر روسیه» را جانشین شعارهای پرولتاریائی کرد و در جبهه ها موفق شد ارتش و ارتشیان عهد پهلوی در بسیج حس میهنی شهره اند.

۳- در این نوشته ها هر جا اشارتی به صحنه های پر بیاد است از نویسندگی ای است که از ۱۳۴۰ تا دو سال بعد انقلاب شاهد همه حرکات منتهی به انقلاب بوده است.

۴- قدرت سیاسی ایران و تلاش برای مردمسالاری - کاوه و در مجله: Euro Orient به سال ۲۰۰۴ - نگارنده و هر اثر معتبر تاریخ صفویه.

۵- SHERLY

چوبی در دامنه کوه های شمال نرورژ کتاب خود را نوشته است.

رونالد دوما وزیر خارجه پیشین فرانسه که توسط میتران بالاترین پست حکومتی نیز به او اهدا شده بود (ریاست شورای حکومتی) به همراه منشی و چند تن دیگر از یارانش در پرونده ای که توسط خانم اوژولی پیگیری می شد، بارها محاکمه و محکوم و تبرئه شد. من با او آشنائی نزدیکی داشته دارم در چند مورد با رونالد دوما در این باره سخن گفتم، وی معتقد است که اینها همه پرونده های بود که برای ترور شخصیت افراد با نفوذ سیاسی پدید آمده و حتی به من گفت که در مسائل بین المللی هرگاه ما اظهار نظر تندی بر علیه ساختارهای ثابت جهانی به ویژه منطقه خاورمیانه می کردیم دیگر سیاستمداران انگلیس و آمریکا به ما می گفتند وارد این مسائل نشوید.

خانم اوژولی که جنجال فراوانی در فرانسه به راه انداخت باید دید اینک پس از سال ها در کشور خودش نرورژ چه اختلاسی را کشف کرده است.

www.awesta.net

ها ترجمه محمود طلوعی (باری روبین)

۱۹- هدف تنها بزرگداشت نیست بلکه افکندن نوری است بر بخش هایی تاریک از جمله در شهریور ۷۰ و درباره اعلامیه فرماندهان ارتش در آغاز انقلاب اسلامی، که تاکنون بی عرضانه آنها را مورد مذاکره قرار نداده اند

به منبع آن منابع که در پاورقی آمده است به این منابع نیز توجه داشته و از آنها در این نوشته بهره بردم.

۱- واقعات اتفاقیه در روزگار - به کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سیروس سعولفدیان.
۲- حیات یحیی - یحیی دولت آبادی - انتشارات فردوسی - تهران ۱۳۶۲.
۳- سپاهگیری تا سیاستمداری - دکتر عزت الله همایونفر (زاهدی) چاپ ابنوس پاریس ۱۹۹۷.
۴- Nationalism in Iran - R. Cottam - 1967 - University of Pittsburgh press.
۵- رنج رایگان - دکتر حسین خطیبی - تهران ۱۳۸۲ - نشر گل.
۶- علی دشتی - پنجاه و پنج - سفرنامه خوزستان - رضاشاه کبیر ۱۳۰۳.
۷- N. Nahavandi - Le Choc - des Ambition Aquillon - Paris 2006.
۸- Cyropedie(1)-Xenophon- Marcel - Bi-zos Societe d'edition Paris 1971.
۹- پهلوی ها - ج - ۱ - فرهاد رستمی - مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران ۱۳۷۸ تهران.
۱۰- Sandra Mackey - IRE Iranians - 1996 - U.S.A.
۱۱- قانون اساسی مشروطه پادشاهان ایران.
۱۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳- امیر تیمور کالسی - خاطرات - مرکز مطالعات هاروارد - ۱۹۹۷.
۱۴- اردشیر زاهدی - خاطرات - ج: Ibox Publisher - ۲۰۰۵.
۱۵- مایویگانگان - دکتر نصرت الله جهانشاه افشار - شهریور ۲۵۴۱.
۱۶- حقایق درباره بحران ایران - ارتشبد عباس قره باغی - نشر سهیل - پاریس ۱۳۶۳.
۱۷- L'Iran au xxe siecle. J.P. Digard, B-18 Hourcade, Y. Richard Fayard- 1996.
۱۸- شش سال در دربار پهلوی - تلگرافچی دیار رضاشاه - تهران - نوشته ارجمند ۲۰ - گفتگوهای - ارتشبد قره باغی - نشر زمانه ۱۹۹۸ - پاریس.
۱۹- دوره های مختلف مجله ارتش.
۲۰- امیر نجات - دیروز - امروز - فردا - نشر فرهنگ شرق ۲۰۰۵.